

6500

۲۰۰۰

۱

۶۳۳

دارالحديث

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مفصل التفسير وكشف الآيات

مرحوم آیت الله حیدر بن معصومی لاری

سرشناسه: معصومی لاری، سید حسین، ۱۲۶۲ - ۱۳۳۳.
 عنوان و نام پدیدآور: مفتاح التفاسیر و کشف الآیات / مؤلف سید حسین معصومی لاری.
 مشخصات نشر: قم: دفتر عقل، ۱۳۹۷.
 مشخصات ظاهری: ۶۳۴ ص.: جدول.
 شابک (ISBN): 978 - 964 - 2761 - 80 - 7
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا.
 یادداشت: کتابنامه.
 موضوع: قرآن - - کشف الآیات
 موضوع: Qur'an -- Concordances
 موضوع: تفاسیر شیعه - - قرن ۱۴.
 موضوع: Qur'an -- Shiite hermeneutics -- 20th century
 رده بندی کبک: BP ۶۶ / ۴ / م ۷ ۱۳۹۷
 رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۱۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۸۵۴۱

مفتاح التفاسیر و کشف الآیات

مرحوم آیت الله سید حسین معصومی لاری

صفحه آرا: حسین افخمیان

طراح جلد: حسن فرزنانگان

ناشر: دفتر عقل

چاپ: اول / ۱۳۹۷

چاپخانه: دارالحديث

شمارگان: ۲۰۰۰

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان



قم: میدان شهدا، خیابان معلم - مجتمع ناشران طبقه ۳ - واحد ۳۱۴

تلفن: ۳۷۷۴۴۶۲۴ - ۰۲۵ / ۳۷۷۴۳۶۲۴ - ۰۲۵ ص. پ ۳۷۱۷۶۹۹۷۷۶

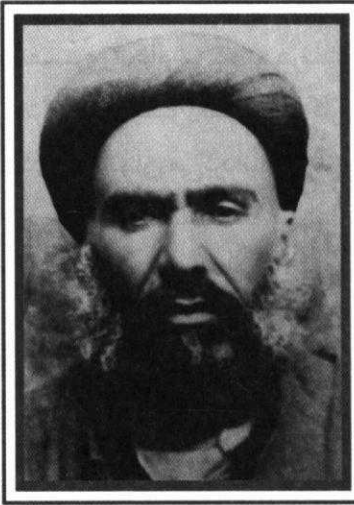
ISBN: 978 - 964 - 2761 - 80 - 7

* کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.



۵۵۰۱۰۱۶۰۰۱۰۱۲

پیشفتازنه



مرحوم آیت الله سید حسین معصومی لاری

درازیای تاریخ همواره یادآور تلاش ها و مجاهدات عالمان دین بوده است. حاصل زحمات این اندیشمندان و مجاهدان بزرگ، تربیت نسل های مختلف بشر است. اعتبار و ارزشی که قرآن کریم برای علم و عالم قائل شده است، برای هیچ موجودی روانداشته و جاهل را به منزله نابینایی می داند که راه را نمی شناسد و به سرمنزله مقصود نمی رسد. خداوند متعال به قلم و آنچه می نویسد سوگند خورده است.

عالمان ربانی، مردان علم و عمل، ابتدا از خود می آغازند و سپس دستگیر مردمان می شوند. دغدغه هدایت مردمان آنان را بی قرار می سازد و تحمل سختی هجرت از وطن مألوف را برآنان آسان می گردانند. صبر در برابر ناملایمات و درشتی های زمان و زبان مردمان و همت بر اصلاح اجتماعی بخشی از رسالت عالمان حق است. زنده داشت یاد و خاطره آنان اهمیتی شگرف دارد و برای نسل های بعد سازنده است.

انتشارات دفتر عقل به منظور بزرگداشت یکی از این سلسله نام آور، مرحوم آیت الله حاج سید محمد حسین معصومی لاری، از علمای به نام و دانش و مؤسس حوزه علمیه آن دیار نشر اثری ارزشمند از آن عالم فرزانه را در دستور کار خود قرار داد. نگارش کتاب *ارجمند مفتاح التفاسیر و کشف الآیات*^۱، آن گونه که مؤلف محترم در مقدمه اش آورده است، به سال ۱۳۶۵ ق. آغاز شد. کتاب در سال ۱۳۷۳ ق. مطابق با ۱۳۳۳ ش. انتشار یافت. در زمان انتشار این کتاب، یعنی ۶۴ سال پیش^۲، نه ابزارهای پیشرفته رایانه ای امروز وجود داشت و نه امکانات پژوهشی زیادی در اختیار محققان بود. برای جست و جوی یک مطلب در تفسیرهای مختلف وقت زیادی از محققان و مفسران گرفته می شد. این کتاب در زمان انتشار

۱. مؤلف محترم در مقدمه، همین نام را برای کتاب برگزیده است. در صفحه عنوان چاپ اول کتاب نیز همین نام نقش گرفته است، اما روی جلد از عنوان کشف الآیات عن القرآن الکریم و التفاسیر استفاده شده که گویا از بی دقتی در چاپ است.

۲. به حساب شمسی ۶۴ سال و به حساب قمری ۶۶ سال.

خود، در میان عالمان شیعه بی نظیر بود و در میان اهل سنت نیز کم نظیر. مفتاح التفاسیر و کشف الآیات شبیه همان کاری را می‌کند که یک محقق امروزی با جست‌وجو در نرم‌افزارهای تفسیری انجام می‌دهد. درست است که با وجود امکانات رایانه‌ای این روزگار، دیگر نیازمند مراجعه به چنین کتاب‌های کاربردی نیستیم، اما شناخت کارهای بزرگ گذشته ما را قادران گذشتگانمان می‌گرداند. ارزش تاریخی این کتاب در این جهت که کاربردی است و در نوع خود بی نظیر است، با آمدن ابزارهای جدید از میان نمی‌رود.



مرحوم حاج سید حبیب الله معصومی لاری

چاپ جدید کتاب با سرمایه جناب مستطاب آقای حاج سید حبیب الله معصومی لاری، فرزند خدوم مؤلف ارجمند، انتشار می‌یابد. ایشان منشأ خدمات بسیاری همچون تأسیس کارخانجات لایه‌های آبیاری، تحت فشار، کمک به نیازمندان و ترویج فرهنگ بودند. ایشان ضمن بهره‌مندی از سجایای اخلاقی، هم کارآفرین نمونه بود و هم مدرسه‌ساز نمونه.

همچنین باید قدردان زحمات جناب مستطاب حجت الاسلام والمسلمین حاج سید جواد معصومی لاری باشیم که با مشقات بسیار توانستند دیباچه‌ای در معرفی مؤلف والامقام و این کتاب ارزشمند تهیه کنند. ایشان پیشتر در اقدامی ارزشمند کتاب خاندان معصومی را تألیف کرده بودند و بخشی از زندگی علمی و اجتماعی مرحوم آیت الله سید حسین معصومی را در آن آورده بودند. اما در این دیباچه کاری فراتر از آن کتاب انجام دادند و اطلاعات بیشتری در اختیار خواننده محترم قرار داده‌اند.^۲ از خداوند منان توفیق بیشتر ایشان را در خدمت به دین و فرهنگ خواستاریم.

انتشارات دفتر عمل

۱. در میانه راه نشر کتاب، هنگامی که بخشی از فرم‌های آن چاپ شده بود، خبر تأسف بار وفات این مرد خدوم به تاریخ هشتم خرداد ماه ۱۳۹۷ مطابق با ۱۳ رمضان المبارک ۱۴۳۹ دریافت شد. از خداوند منان برای ایشان رحمت بیکران و برای بازماندگان صبر و اجر طلب می‌کنیم.

۲. در این دیباچه دو اشتباه در باره وفات مؤلف رخ داده است. یکی اینکه روز وفات ایشان یک روز قبل از عید قربان ذکر شده، در حالی که فرزندان ایشان اظهار داشتند که روز عید قربان گوسفندی را قربانی و خود ایشان گوشت‌های آن را تقسیم کردند و در روز بعد به رحمت ایزدی پیوستند. دیگر اینکه سال وفات ایشان ۱۳۳۵ ش. است، نه سال ۱۳۳۳ ش.

دیباچه

مشعل‌داران فضیلت و معرفت

شرح حال بزرگان علم و عمل و اسوه‌های تقوا و کمال و معرفت در واقع پرده برداری از عظمت آن روح فروزان و مؤاخذی است که در اقیانوس باطنشان در خروش و در غوغاست.

آن گوهر ارشمنده و مقدسی که انواع فضائل و مکارم و کمالات و معارف و معنویت‌ها و عبودیت‌ها و تلاش‌ها و مبارزات و پاکیزگی‌ها را در ذات خود دارد، که از اختلاط و امتزاج این خصائص ملکوتی و فضائل روحانی و مکارم اخلاقی، مشعل مقدسی در جامعه تجلی می‌کند که با روشنایی و راه‌نشانی و رفتار و گفتار و هدایت و ارشاد خود به سالکان راه توحید و مشتاقان و شاگردان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام درس ایمان و تقوا و معنویت و عبودیت و کرامت و معرفت و تلاش و پویندگی و عرفان و اندیشه و خلاقیت و ایثار و استقامت و مبارزه و ... می‌دهد. و چه زیبا و شفاف امام باقر علیه‌السلام این رسالت و راهبری و هدایت و تربیت و مشعلداری علما و بزرگان دین را به تصویر کشانده است.

عن الباقر علیه‌السلام: العالم کمن معه شمعة تُضيء للناس کل من اصر بشمعته دعا له بخیر کذلک العالم مع شمعة تزیل ظلمة الجهل والحرارة.

امام باقر علیه‌السلام: عالم بسان مشعلداری است که در فضای تاریک راه را برای مردم روشن می‌سازد و هر کس با مشعل او راه را ببیند، در حقش دعای خیر می‌کند، همچنین عالم با مشعل هدایت و ارشادش ظلمت جهل و سیاهی گناه و سرگردانی در راهی ضلالت و انحراف را برطرف می‌سازد.

امام صادق علیه‌السلام پا را فراتر نهاده و مطلب را از حالت تشبیه و همسانی خارج کرده، نمی‌فرماید عالم صالح شبیه به مشعلدار است، بلکه بطور عینی و واقعی می‌فرماید عالم خودش نور و روشنایی و مشعل است.

عن عبدالله بن جندب قال: قال الصادق علیه السلام: رحم الله قوماً كانوا سراجاً و مناراً كانوا دعاة
الينا باعمالهم ومجهود طاقتهم...^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند رحمت خویش را شامل گروهی گرداند که خود، چراغ
فروزان و مشعل سوزان هستند و با عمل و اخلاق و تلاش و جهاد خود مردم را به
سوی ما تشویق و جذب و دعوت می کنند.

علامای صادق این بیدارگران دلسوز برای کرامت و معرفت و فضیلت بخشیدن به (انسان) و
بأسداری از ارزشها و مبارزه با ستمگری و بی عدالتی و ایجاد فضای مناسب برای تربیت و عروج
فضیلت طلبان و کرامت جویان، با در دست داشتن چراغ فروزان و مشعل سوزان هدایت، مسیر تقرب
به خدا و معرفت و اطاعت از ولایت پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام را برای رهجویان و پیروان روشن و هموار
ساختند.

روحانیت شیعه از اوایل قرن دوم از دوران امامت زرین و ملکوتی امام باقر و امام صادق علیهم السلام با
کوله باری سترگ و عظیم از انواع علوم و معارف الهی و قرآنی و آموزه ها و تعالیم نبوی و گنجینه بی
کران معارف و تعالیم علمی در مسیر پر پیچ و خم و ناهموار و طولانی ۱۳۰۰ ساله براه افتاد، در
طول این مسیر پر فشار و کمر شکن دشوار و گنجینه هایی از اصول و قواعد و مبانی عقائد و کلام و
فقه و اصول و حکمت و تفسیر و ادبیات و حدیث و عرفان و اقتصاد و بلاغت و فصاحت و ... از
دانشگاه عظیم و توحیدی ائمه معصوم علیهم السلام مخصوصاً حوزه ارزشمند و پر برکت آن دو امام اثرگذار
بدست آورد.

این گنجینه پر بار و بی نظیر را با تحمل تمام سختی ها و شکنجه ها و شهادت ها و جانفشانی ها و
با مبارزه و استقامت و صف ناپذیری بدست ما سپردند. چه از مغان ارزشمند و گنجینه ای غیر قابل
قیمت گذاری! ... واقعاً در طول این ۱۲ قرن یعنی بعد از عصر ائمه طاهرين علیهم السلام این روحانیت
سرفراز و مقاوم و متعالی شیعه بود که با جان و دل و فدا کردن تمام سرمایه و هستی خود در
عرصه های مختلف، حضور و وجود فعال و هدایتگر و اثر بخش خود را حفظ کرد.

از یک سو آن اندوخته ها و گنجینه های عظیم علمی و معنوی و اخلاقی و آسمانی ائمه اطهار علیهم السلام
را بدون هیچ تصرف و دست برد و نقصانی نسل اندر نسل حفظ کردند و برای حراست از آن چه
سختی ها و شکنجه ها و تبعیدها و زندانها و آوارگی ها و شهادتها را به جان خریدند.

۱. تحف العقول، ص ۳۰۱؛ الوافی، ج ۲۶، ص ۲۷۲ و بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۸۰.

از سوی دیگر با تربیت و پرورش و آموزش شاگردان مستعد و مشتاقان خوش ذوق و علاقمند، و ارتقاء دادن و رساندن آنها به قله‌های رفیع اجتهاد و فقاہت و علوم مختلف حوزوی، بر غنا و ترقی و تعالی مکتب و مذهب شیعه افزودند، و در طول این ۱۳ قرن هزاران فقیه و مرجع و اصولی و مفسر و حکیم و فیلسوف و عارف و محدث و ادیب و مبلغ و مدرّس و متکلم و ریاضی دان و منجم و ... به دنیای اسلام و جهان بشریت تحویل دادند و صدها هزار کتاب و آثار عمیق و غنی علمی در تمام رشته‌های علوم اسلامی و دانش بشری را از خود به یادگار گذاشتند. بعنوان نمونه و قطره‌ای از آن دریای بیکران ذخائر عظیم و منابع قوی علمی، تنها یکی از آن آثار ۱۱۰ جلد کتاب بحارالانوار است! ... تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

بن‌گذاشت و تکریم و برجسته‌نمایی نام و یاد و شخصیت بزرگان علم و تقوا و فضیلت و علما و دانش‌وران حوزه دین، و احیاء و زنده کردن و تجدید آثار و کتب و اندوخته‌های علمی و تحقیقات فنی و مبنای دگر آن عزیزان را تنها یک وظیفه و تکلیف، بلکه یک ضرورت و واجب قطعی است.

آل معصوم خاندان سیادت و روحانیت

یکی از شاخه‌های سرسبز و مستحکم و پرثمر روحانیت شیعه، خاندان معصومی است. این خاندان سرافراز و عزتمند از دو منبع نورانی، شرافت و قیاست خود را اخذ کرده است، از یک سو متصل است به گنجینه بی‌نظیر و یکتا مرکز الهی و آسمانی خاندان عصمت و طهارت (که همان (سیادت) است، و از سوی دیگر شاخه‌ای است سرسبز و کرامت گستر از شجره طیبه روحانیت، روحانیتی که قطره‌ای از اوصاف اقیانوسی و موج آن گذشت.

این دو خصوصیت یاد شده، ویژگی و امتیاز و افتخار فوق‌العاده‌ای است که خاندان معصومی از ابتدا یعنی از همان زمان حیات مقدس و نورانی امام هفتم حضرت موسی بن جعفر (ع) در طول تاریخ تشیع با خود به همراه داشته است.

روحانیتی که در خاندان معصومی تبلور و جریان دارد ریشه‌ای بسیار مستحکم و قوی و دامنه‌داری دارد؛ زیرا این خاندان از سلسله روحانیتی است که ریشه‌ای ۱۲۰۰ ساله دارد و به عمر و امتداد تاریخ تشیع و همین سابقه طولانی و پایدارش سبب سربلندی و عزتش گردیده است. طبق شواهد و قرائن متقنی که از اجداد و بزرگان این خاندان از قرنهای گذشته نسل اندر نسل به ما رسیده تمام سلسله اجداد این خاندان بعد از حیات نورانی حضرت موسی بن جعفر (ع) در هر نسل و دوره‌ای چند روحانی سرشناس در این خاندان حضور و وجود داشته است. تنها از نیمه دوم قرن ۱۳ تا هم اکنون که اواخر قرن ۱۴ شمسی هستیم در مدت ۱۵۰ سال، بیش از سی عالم و فقیه و مجتهد

و مبلغ و نویسنده که همگی در کسوت مقدس روحانیت بوده‌اند و هستند در این خاندان به چشم می‌خورد. ابراهیم مجاب و محمد عابد که ذکر آنها خواهد آمد، شاهد دیگری بر این مدعا هستند.

شجره و ریشه سیادت در خاندان آل معصوم

سادات معصومی یکی از اصیل‌ترین و ریشه دارترین سادات خطه جنوب ایران است، که فقهای و مراجع بزرگ و عظیم الشان حوزه علمیه نجف همچون آیه الله العظمی آخوند خراسانی صاحب کفایه و آیه الله العظمی شیخ فضل الله نوری شهید مشروطه و آیه الله العظمی شیخ مرتضی عراقی و شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه در اجازات و مکتوبات خود به سیادت و موسویت این خاندان تصریح و اعتراف کرده‌اند.

طبق آنچه که از اسناد و مدارک تاریخی استنباط می‌شود و از طریق اقوال و روایات بزرگان و اجداد گذشته این خاندان سینه به سینه به ما رسیده است، سادات معصومی، موسوی هستند و سلسله نسب این خاندان از طریق ابراهیم مجاب و محمد العابد به امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می‌رسد. محمد العابد فرزند بلا فصل موسی بن جعفر علیه السلام است و ابراهیم مجاب فرزند محمد العابد است.

این نکته مسلم است که یکی از نوادگان ابراهیم مجاب که جد اعلای خاندان معصومی بوده، از سرزمین عراق هجرت کرده است، اما تاریخ مهاجرت و نام و نشان و خصوصیات شخص مهاجر و اینکه چه کسانی با او همراه بوده‌اند، و مبدأ حرکتش و همچنین علت مهاجرت و کیفیت انتقالش نامعلوم است.

طبق تحقیقاتی که به عمل آمده، مسیر حرکت این خاندان به سوی بحرین و شمال شرقی عربستان منطقه الحساء و القطیف بوده است. به احتمال قوی علت انتخاب این منطقه برای سکونت، شیعی بودن آن نواحی بوده است، که همان مذهب و مسلک شیعی اثنی عشری از آن زمان تاکنون ادامه داشته و در حال حاضر همین منطقه یکی از بزرگترین و مهمترین و پرجمعیت‌ترین مناطق شیعه نشین شبه جزیره عربستان است، و شهرهای بزرگ الحساء و القطیف هم اکنون در عربستان و بحرین به شیعه بودن مشهور و معروفند.

بر اساس مدرکی که موجود است، این واقعیت قطعی و مسلم می‌باشد که این خاندان بعد از هجرت از عراق گرچه چند سالی در منطقه الحساء و القطیف بوده‌اند، اما مقصد نهایی آنها سرزمین بحرین بوده است. در این منطقه سالیان درازی سکونت داشتند. معلوم نیست چند دهه و یا چند قرن در ناحیه بحرین متوطن بوده‌اند، اما بودنشان در آن ناحیه قطعی است. دلیل و مدرک ما بر سکونت و

توطن این خاندان در بحرین سندی است که تصریح می‌کند اجداد این خاندان در منطقه بحرین سکونت داشته‌اند، و این سند قدیمی و ارزشمند که دستخط یکی از اجداد ماست در نزد اینجانب موجود است. مفاد و مضمون این سند عیناً به این صورت است:

السید عباس بن السید محمد بن السید معصوم بن السید نظام بن السید جعفر بن السید عبدالله بن السید هاشم المهاجر من البحرين الى فال والساکن فی بلدة مهر ثم هجر حفیده السید نظام الى لار.

سید عباس فرزند سید محمد فرزند سید معصوم فرزند سید نظام فرزند سید جعفر فرزند سید عبدالله فرزند سید هاشم است، سید هاشم از بحرین بسوی منطقه فال مهاجرت کرد و در شهر مهر ساکن شد. سپس سید نظام که از نوادگان سید هاشم است به سوی لار کوچ کرد.

این سند پر قیمت، اطلاعات و معلومات ارزشمندی به ما ارائه می‌دهد، از یک سو اجداد این خاندان را تا هشتاد و پنج سال پیش برای ما مشخص می‌کند، و از سوی دیگر تاریخ سکونت اجداد این خاندان در منطقه بحرین و همچنین تاریخ خروجشان از بحرین و ورودشان به ایران تا حدی برای ما روشن و مشخص می‌سازد.

تاریخ سکونت اجداد خاندان معصومی در سرزمین بحرین در قرن یازدهم هجری و قبل از آن بوده است. گرچه این تاریخ به طور صحیح و معین و مکتوب در دست ما نیست، اما بر اساس قاعده و اصول صحیح علم انساب استخراج شده است، نحوه محاسبه و طریق استخراج به این صورت است:

در علم انساب این اصل پذیرفته است که در سلسله انساب و طبقات آباء و اجداد، مدت زمانی که برای هر طبقه از یک نسل در نظر گرفته می‌شود به طور میانگین ۳۵ سال است، همین قاعده و اصل، اساس محاسبه ما را تشکیل می‌دهد.

بر اساس معیاری که ذکر شد حدود ۳۵۰ سال پیش خاندان معصومی در بحرین بوده‌اند، یعنی حوالی سالهای ۱۰۷۵ قمری که مصادف است با حکومت صفویان در ایران. زیرا سال ۱۰۷۷ قمری شاه سلیمان فرزند شاه عباس صفوی تاج گذاری کرده، و سلسله صفویان در سال ۱۱۴۸ قمری منقرض شده است. بنابراین نتیجه می‌گیریم که کوچ سید هاشم جد اعلای خاندان معصومی از بحرین به ایران در زمان سلطنت صفویان بوده است (۷۳ سال قبل از انقراض صفویان).

یکی از اقدامات مهم علمای شیعه در عصر صفوی هجرت تبلیغی آنها از نقاط مختلف جهان به ایران بود تا از فرصت به دست آمده در راه گسترش فرهنگ تشیع در ایران استفاده کنند.

حضور علمای بزرگی از جبل عامل لبنان همچون شیخ بهایی و محقق کرکی به دنبال همین فرصت سرنوشت ساز اتفاق افتاد.

علما و مبلغین و دلسوزان مکتب و همچنین طوایف و عشیره‌های سادات و نوادگان ائمه علیهم‌السلام از گوشه و کنار، حرکت مقدس و جهاد فضیلت بخش خود را به سوی ایران شروع کردند. در زمره گروه‌هایی که به ایران کوچ کردند، اجداد خاندان معصومی بود که در حوالی سالهای ۱۰۷۵ قمری در زمان سلطنت شاه سلیمان صفوی از بحرین به جنوب ایران هجرت کردند و در منطقه لامرد شهر مهر اسکان گزیدند. در آن دیار سالیان زیادی به ارشاد مردم و تبلیغ مکتب تشیع و رسیدگی به امور مذهبی و مشکلات اجتماعی مردم مشغول بودند.

گرایش، مقصد نهایی خاندان معصومی

سید هاشم بزرگترین و بالاترین جد اعلائی خاندان معصومی، از آن زمانی که وارد منطقه فال و مهر شد، خود و فرزندان و سپس نوادگان و بازماندگانش عهده دار ترویج و گسترش فرهنگ و معارف شیعه بودند و در کسوت مقدس سیادت و روحانیت، در جهت اشاعه و نشر احکام و مبانی اسلام و مذهب تشیع تلاش و فعالیت داشتند.

این سؤال مطرح است که چرا انگیزه‌ای سبب شد که نوادگان سید هاشم پس از تقریباً صد سال سکونت و توطن در منطقه فال و مهر، شهر گراش را انتخاب کردند؟

منطقه فال و مهر و اسیر و لامرد و زیارت، که در غرب لارستان واقع است از دیر زمان، زایشگاه دهها هزار سادات نبی الزهراء و سیادتگاه فضیلت هزاران و پاکان از ذریه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوده است. این منطقه پر برکت و کرامت گستر و سید خیز، مأمن و پناهگاه هزاران روحانی و مبلغی بوده که در امر بسط و نشر و گسترش فرهنگ تشیع فعالیت داشته‌اند. در نتیجه این تاسیه از حیث سیادت و تبلیغ و ارشاد بسیار غنی و پر بار و خود کفا بوده است، چه در گذشته و چه در حال حاضر تولید و تکثیر و صدور روحانی و مبلغ از امتیازات ارزشمند این منطقه است.

بر عکس، شرق لارستان در گذشته از جنبه مبلغ و روحانی، و از حیث تبلیغ و ارشاد در تنگنا و کمبود و نیاز بود، و همین امر سبب شده که در آن زمان عده‌ای از روحانیت و سادات منطقه فال و اسیر و مهر به سوی شرق لارستان بسیج شوند و کوچ کنند.

منطقه گراش و لار از دویست - سیصد سال پیش طبق تصریح مورخ عارف مسلک مرحوم میرزا زین العابدین شیروانی در کتابش (بستان السیاحه) شیعی مذهب بوده‌اند. در آن زمان مجموعه‌ای از شیعیان پاک دل و دلدادگان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام در اطراف قلعه گراش سکونت داشتند، تشنه احکام و

تعالیم و فضائل ائمه اطهار (ع) و جویای عالمی کاروان و شایسته و روحانی ای فاضل و با تقوی بودند تا از یک سو در حل و فصل امور اجتماعی ملجأ و محور باشد و از سوی دیگر تبلیغ شریعت و احکام دین و پاسخگویی به مسائل و مشکلات مذهبی را پیشه خود کند.

سید نظام یکی از اجداد خاندان معصومی که از نوادگان سید هاشم است در سفرهای تبلیغی و سیر ارشادی خود گزارش به گراش می‌افتد، عطش و محرومیت و نیاز مردم را نسبت به ولایت و فرهنگ و معارف اهل بیت (ع) را درک کرده، متوجه می‌شود که مردم تشنه گراش به یک روحانی و مبلغ فاضل و با سواد نیازمندند، در پس دعوت و درخواست مردم، احساس تکلیف شرعی می‌کند که در همان جا بماند.

همین امر سبب شد که آن بزرگوار، گراش را وطن و مسکن خود قرار دهد، و بدین سان بعد از توان و سکونت سید نظام، ریشه خانوادگی خاندان معصومی در گراش پایه گذاری شد و فرزندان و نوادگان و خاندان معصومی در گراش رشد کردند و گسترش یافتند. از حالات و کیفیت تحصیل و میزان سواد و جزئیات زندگی سید نظام اطلاعی در دست نیست. همچنین از تعداد فرزندان و نام و نشان آنها مطلبی ذکر نشده است. تنها فرزندی که از سید نظام در شجره خانوادگی معصومی از او اسم برده شده (سید معصوم) است. سید معصوم جد آیه الله آقا سید حسین است که طبق مکتوبی که مرحوم آقا سید حسین در حاشیه قرآن مخصوصش با دستخط خودش نوشته، تصریح کرده که جدم (سید معصوم) است.

آیه الله آقا سید حسین شخصیتی برجسته و نامدار از خاندان آل معصوم

یکی از شاخص ترین شخصیت های علمی و اخلاقی و تبلیغی خاندان آل معصوم در این دو قرن اخیر مرحوم آیه الله حاج آقا سید حسین معصومی گراشی معروف به (معصومی لاری) است. شخصیتی که از عنفوان نوجوانی اش قدم در روضه رضوان مقام روحانیت نهاد، و با طهارت و تهذیب و تقوا و خود پالایی و مراقبت، احترام و قداست این لباس را تا لحظه آخر حیاتش حفظ نمود، و با سختکوشی و جدیت و تلاش، مدارج علمی علوم و معارف حوزه را طی کرد، و با اخلاق و خوش رفتاری و خود جوشی با مردم و در میان مردم در کنار مشکلاتشان بود، و با عزت و استغناء و قناعت و آقایی زیست، و با صلابت و پایداری و قاطعیت با مفاسد و منکرات و مناسبات دین مبارزه کرد، و با تهذیب و اخلاق و طهارت خود تشنگان تربیت و معرفت را مسیر تهذیب و خودسازی آموخت، و با بیان و قلم و منبر و ارشادات خود تعالیم دین و احکام و معارف اهل بیت (ع) را تبلیغ کرد، و با مطالعه و تدبر و تحقیق خود مفاهیم و آیات و آموزه های قرآنی را از تفاسیر مهم برجسته جمع آوری و تألیف نمود.

این روحانی برجسته و نامدار از قبیله فضیلت پیشگانی است که خود با دست رنج و جدیت و سخت کوشی و تحرک و پویندگی و ایثار و استقامت خودش شالوده شخصیت معنوی و علمی و تبلیغی و اخلاقی و مبارزاتی خودش را پایه ریزی کرد و در تکوین و بالا بردن و ترقی و پیشرفت آن کوشید. از جمله عالمان فاضل و وارسته‌ای است که زندگی و حیاتش معجونیه درهم تنیده از علم و عمل و تقوی، و رنگین کمانی از تزکیه و تعلیم و تعقل و تدبیر بر اساس آموزه‌های خالص قرآنی بود و خلاصه با صفای گفتار و شیرینی رفتار و زلالیت کلام و طینت مرام با خوش نامی و شرافت در بین مردم ریست.

والدین و جد و اجداد

مرحوم آقا سید حسین در خانواده‌ای اصیل و روحانی از پدر و مادری کاملاً متدین و اهل تقوا و معنویت متولد شد. درباره مادر ایشان اطلاع کامل و دقیقی در دست نیست جز همین اندازه که بانویی عقیق و متدین و پاکدامن بوده است، اما از پدر و جد و اجدادش اطلاعات نسبتاً مختصری در دست است. خود آقا سید حسین پدر و جدش را به روشنی و وضوح نام برده است. سیره نویسان و مورخینی چون شیخ آقا بزرگ تهرانی، دیگران پدر و جدش را معرفی کرده‌اند. همچنین شجره مختصری که از اجداد آن مرحوم در دست است اسم جد و اجدادش را ذکر کرده است.

آقا سید حسین در حاشیه قرآنی که مخصوص قرأت شخصی‌اش بوده و بعد از حیات خودش به فرزندش مرحوم آقا سید محمدرضا معصومی هبه و بخشیده با دست خط خودش در ذیل این هبه نامه نوشته:

وانا الاحقر الفانی الوالد السید حسین المعصومی اللاری ابن السید حسن ابن سید معصوم...

شیخ آقا بزرگ تهرانی در سه کتاب جداگانه‌اش از پدر و جد ایشان اسم برده است.

۱. طبقات اعلام الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۶۳

السید حسین المعصومی ۱۳۰۱ - ۱۳۷۴ هو السید حسین بن السید حسن بن السید

معصوم اللاری عالم جلیل و فاضل محقق

۲. الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱۸، ص ۶

کشف الآیات عن القرآن الکریم ألفه السید حسین بن السید حسن المعصومی اللاری.

۳. هدیه الرازی الی الامام المجدد الشیرازی، ص ۱۱۲

در ذیل شرح حال آیه الله السید عباس بن السید محمد بن السید معصوم چنین می نویسد:
 وهو ابن عم السید حسین بن السید حسن بن معصوم مؤلف مفتاح التفاسیر
 المطبوع.

آگاهی و اطلاعات ما درباره پدر ایشان همین اندازه است که ذکر شد. بنابراین از سال تولد و
 کیفیت تحصیل و سطح علمی و سایر مشخصاتش اطلاعی در دست نیست، و آن اندازه که ما در
 آثار و نوشته های مرحوم آقا سید حسین تتبع و جستجو کردیم جز اسمی از پدرش و محل دفنش
 اطلاعات دیگری نیافتیم. مرحوم آقا سید حسین در حاشیه قرآنش در ذیل هبه نامه یاد شده تصریح
 کرده است:

السید حسین المعصومی اللاری ابن سید حسن ابن سید معصوم المدفونین بکربلا
 فی وادی العتیق الایمن.

همچنین در کتب رجالی و منابع شرح حال بزرگان از ناحیه سیره نویسان شرحی از زندگی و
 سایر خصوصیاتش مابلی ذکر شده جز اینکه مرحوم شیخ آقا بزرگ در جلد ۱۴ طبقات اعلام
 الشیعة در ذیل شرح حال فرزندش آقای سید حسین فقط اشاره مختصری به فضل و علمیت پدرش
 نموده است:

و هو من بیت علم و شرف فولده من المل الفضل...

با توجه به تصریح رجالی معروف مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی نسبت به فضل و سواد مرحوم آقا
 سید حسن، معلوم می شود که ایشان هم همچون فرزندش المل علم و فضل و سواد حوزوی بوده
 است، اما از کیفیت تحصیل و میزان علمیتش اطلاعی در دست نیست.

و اما در مورد جد آقا سید حسین غیر از اسم آن مرحوم بنام (السید معصوم) که در منابع یاد شده
 ذکر شد، مطلب دیگری که درباره سال تولد و تحصیلات و شرح حال آن مرحوم باشد در منابع و
 کتب رجالی اشاره ای بدان نشده است، جز اینکه مرحوم شیخ آقا بزرگ در ذیل شرح حال آقا سید
 حسین مطلب کوچکی به این مضمون آورده است:

وجده السید معصوم کان مجاوراً للحائر الشریف الی ان توفی و دفن بادی الایمن.

در مورد اجداد مرحوم آقا سید حسین، طبق شجره مختصری که بصورت خطی و بعنوان سند در
 نزد ما محفوظ است به این ترتیب اسم برده شده:

السید معصوم بن السید نظام بن السید جعفر بن السید عبدالله بن السید هاشم...

بنابراین غیر از اسم، اطلاعات دیگری از اجدادشان در دست نداریم.

تولد و زادگاه

تولد مرحوم آقای سید حسین در کتب تراجم و سیره، متفاوت ذکر شده مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی در طبقات اعلام الشيعة تصریح کرده:

السید حسین المعصومی ۱۳۰۱ - ۱۳۷۴ ق هو السید حسین بن السید حسن بن

السید معصوم اللاری عالم جلیل و فاضل محقق ولد فی کربلا (۱۳۰۱) و نشأ بها.^۱

آقای محمد علی سلطانی در کتاب (تاریخ تشیع در کرمانشاه) نوشته:

آیت الله آقا سید حسین معصومی لاری فرزند مرحوم آقا سید حسن بن سید معصوم

موسوی لاری در حوالی سالهای (۱۵ - ۱۳۱۲ قمری) به روز بیستم ماه جمادی الثانی

(ولادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام) در لارستان فارس متولد گردید.^۲

در رکیز عقاد در کتاب (معجم المؤلفین العراقيين فی القرنين التاسع عشر و عشرين ۱۸۰۰ -

۱۹۶۹ م) ج ۱، ص ۳۵۷ چنین ثبت کرده:

حسین المعصومی السید (کربلا ۱۸۸۴ - ۱۹۵۵ م)

در کتاب (موسوعة مؤلفي الإمامية) زیر نظر: مجمع الفكر الاسلامی در ج ۱۱ ص ۲۲۴ نوشته

شده:

حسین بن حسن معصومی اللاری (۱۳۰۱ - ۱۳۷۴ ق) عالم دینی ولد فی محافظة

کربلا بالعراق و اقام فی کرمانشاه ایران.

آنچه که به نظر می رسد و قریب به اطمینان است، تاریخی که شیخ آقا بزرگ بدان تمسک کرده

یعنی ۱۳۰۱ قمری صحیح و معتبر است، به دلیل اینکه اولاً مرحوم شیخ آقا بزرگ معاصر مرحوم آقای

سید حسین بوده است و همین تعاصر سبب آگاهی و اطلاع بیشتر از خصوصیات و جزئیات زندگی

ایشان می گردد، در حالی که آقای محمد علی سلطانی چند دهه بعد از فوت مرحوم آقا سید حسین

کتایش را تنظیم کرده. ثانیاً مرحوم شیخ آقا بزرگ در شرح حالی که در طبقات اعلام الشيعة برای آقا

سید حسین نوشته، تصریح می کند که با ایشان چندین ملاقات داشته بلکه از مفاد و مضامین آن شرح

حال به دست می آید که با همدیگر رفاقت و حشر و نشر و مراوده نزدیکی داشته اند ملاحظه فرمایید:

زار العتبات فی (ع ۱ - ۱۳۷۴) فجددنا به العهد و اتفق انه كان آخر العهد حيث توفي

بعد عودته اليها فجأة فی (۱۱ ذیحجة ۱۳۷۴).

۱. طبقات اعلام الشيعة: ج ۱۴ ص ۵۶۳.

۲. تاریخ تشیع در کرمانشاه، ص ۶۳۰.

در ربیع الاول سال ۱۳۷۴ مشرف به زیارت عتبات شد و ما برای چندین بار با ایشان ملاقات و تجدید عهد کردیم و معلوم شد که این آخرین دیدار و عهد ما با ایشان بود زیرا بعد از این ملاقات به کرمانشاه برگشت و بطور ناگهانی در یازدهم ذیحجه ۱۳۷۴ فوت کرد.

اینکه نوشته «فجددنا به العهد» معلوم می‌شود که قبل از آخرین ملاقات چندین بار با همدیگر ملاقات و گفتگوی عالمانه داشته‌اند. ثالثاً شرح حالی که برای ایشان تنظیم کرده مفصل و جامع است و به اکثر خصوصیات و جزئیات زندگی ایشان اشاره کرده حتی تاریخ آخرین زیارتش و همچنین تاریخ روز رحلتش را بطور دقیق ذکر کرده، بنابراین تمام این موارد قرینه و شاهد است بر اینکه با ایشان معاش و مراوده نزدیک داشته و خصوصیات و جزئیات زندگی و فعالیتهای علمی و تألیفی ایشان را از خودش پرسیده است؛ یعنی در واقع این شرح حال از قول خود آقا سید حسین تنظیم شده است. در حالی که آقای محمّدعلی سلطانی مطالب و شرح حالی که درباره ایشان نوشته منبع و مدرک آن را ارائه نداده است. بنابراین نتیجه می‌گیریم که ولادت ایشان در سال ۱۳۰۱ قمری بیشتر مقرون به صحت است و سایر منابع هم که ۱۳۰۱ ذکر کرده‌اند از ایشان اخذ نموده‌اند.

و اما زادگاه ایشان، در این مورد هم مانند سال تولدش در آن اختلاف است، مرحوم شیخ آقا بزرگ طبق آنچه ذکر شد، محل تولد و زادگاهش را (کربلا) ثبت کرده است، آقای محمّدعلی سلطانی (لارستان فارس) ذکر کرده است. کورنیس عواد و صاحب (موسوعة مؤلفی الامامیه) طبق آنچه شیخ آقا بزرگ تصریح کرده کربلا معرفی کرده‌اند. بنده تنظیم کننده این مقدمه گرچه در کتاب خاندان معصومی زادگاه ایشان را (گراش) ذکر کرده‌ام، اما بنابر دلائل و شواهدی که ذکر شد احتمال قریب به اطمینان است که نقل مرحوم شیخ آقا بزرگ اصح و معتبر باشد، علاوه بر آن شواهد و دلائل سه گانه مرحوم شیخ آقا بزرگ در آخرین سطر شرح حال آقا سید حسین جمله‌ای را آورده که صحت این احتمال را قویتر و مطمئن تر می‌سازد:

وجده السید معصوم کان مجاوراً للحائر الشریف الی ان توفی و دفن بوادی الایمن.

از مفاد و مضمون این کلام شیخ بر می‌آید که مرحوم سید معصوم کربلا را به عنوان وطن آغاز کرده و عبارت (کان مجاوراً) دلالت بر ثبوت و استمرار اقامت و مجاورت دارد، و انسان مجاور را که بعنوان محل سکونت و توطن انتخاب می‌کند معلوم است که با خانواده و فرزندان همراه است، و طبق روال عرف و رسم متعارف فرزندش مرحوم آقا سید حسین در جوانی در آنجا ازدواج کرده، در نتیجه مرحوم آقا سید حسین در کربلا متولد شده است.

تحصیلات و علوم مقدماتی

فرزندى چون آقا سید حسین، با داشتن پدری فاضل و اهل علم و تقوا و خاندانی که همگی از عالمان دین و وارستگان مکتب اهل بیت علیهم السلام بودند، همچنین با داشتن تربیتی کریمانه و ایمانی از سوی مادر، معلوم است که مسیر کسب علم و تحصیل علوم و معارف حوزوی را در پیش می‌گیرد.

پدرش او را به سن ۷-۸ سالگی جهت تحصیل علوم حوزوی در یکی از مدارس مقدماتی کربلا نهاد. در بدین سان آقا سید حسین کوچولو با دفتری زیر بغل و قلم و دواتی در جیب سرشار از ذوق و سوق معنوی در سایه فضل و رحمت و توفیق پروردگار و در ظل عنایت و توجه ائمه معصومین علیهم السلام قدم در وادی تحصیل علم و کمال و معرفت گذاشت، و چون زادگاهش کربلا بود یکی از عوامل مؤثر در ترقی تحصیلی او همین تولد و نشو و نمایش در فضای روحانی و ملکوتی کربلا بود.

در چه آقایی محمدعلی سلطانی در کتاب (تاریخ تشیع در کرمانشاه) محل تحصیل ابتدایی و مقدماتی او را در (کر) ثبت کرده است اما این نظریه متکی به آن فرضیه‌ای است که ایشان زادگاه مرحوم آقا سید حسین را لار قرار داده است، اما با توجه به فراز قبل که نظر مرحوم شیخ آقا بزرگ را بر سایر نظریه‌ها ترجیح دادیم و بودن زادگاه ایشان در کربلا را معتبر و صحیح دانستیم، می‌توان چنین نتیجه گرفت که تحصیلات مقدماتی ایشان از قبیل صرف و نحو و بقیه شاخه‌های ادبیات عرب و همچنین سایر دروس حوزوی در مقطع سطح را در مدارس علمیه کربلا در محضر گروهی از فضلا و مدرّسین آن وادی مقدس بوده است. شیخ آقا بزرگ در خصوص مقدماتی ایشان چنین آورده است:

ولد فی کربلا فی (۱۳۰۱) و نشأ بها فاخذ الاولیات والمقدمات وقرأ السطوح وحضر علی فریق من افاضل العلماء ...

مرحوم شیخ آقا بزرگ در مورد مقطع سطح و تحصیل مقدماتی ایشان فقط همین اندازه متذکر شده است، و اما اینکه اساتیدش در مقطع سطح چه شخصیت‌هایی بوده‌اند و نحوه تحصیلاتش چگونه بوده، و تا چه زمانی در کربلا مشغول به تحصیل بوده، و در کدام حوزه و مدرسه کربلا تحصیل کرده‌اند، به هیچ یک از این موارد اشاره نکرده است. و ما هم هر چه در منابع رجالی و کتب سیره علما تتبع و جستجو کردیم و با آفازاده‌هایش و شخصیت‌هایی که اطلاعاتی از ایشان داشتیم مصاحبه کردیم، مطلبی و اشاره‌ای در این زمینه نیافتیم.

تحصیلات عالیّه اجتهاد در حوزه نجف

آقا سید حسین با داشتن آن همت بلند و روحیه پویا و مواجی که در ذات خود داشت به تحصیلات مقدماتی و علوم سطح قانع نشد. فضای علمی پر اوج و وسیع‌تری می‌خواست که بتواند مدارج بلند

علم و فضل و اجتهاد را حیازت کند و چنین فضای گسترده و کهکشانی جایی جز حوزه پر تشعشع نجف اشرف نبود. سرانجام با همت و جدّیت خودش و تشویق و مساعدت خاندانش وارد حوزه ملکوتی نجف اشرف شد و در حوزه علمیه آیة الله العظمی شیخ عبدالله مازندرانی زیر نظر و اشراف آن مرجع عظیم الشان شروع به تحصیلات دروس خارج فقه و اصول و سطوح عالیّه اجتهاد نمود.

زمانی که آقا سید حسین وارد حوزه نجف اشرف شد، حوزه علمیه این شهر مقدس عالیترین و پر رونق ترین و درخشانترین دوران علمی و فقهی و تدریسی و فقیه پروری خود را می گذراند، از حیث وجود و حضور مراجع و فقها و فضلا بیشترین فحول مراجع تقلید و اکابر فقها و علمای طراز اول را در خود داشت، و از حیث سطح علمی دقیق ترین و ابتکاری ترین مسائل و مبانی و موضوعات فقهی و اصولی و تفسیری و حدیثی و فلسفی و ... مطرح می شد. از حیث تدریس و مجتهد پروری بیشترین و غنی ترین دروس و جلسات علمی و فقهی و اصولی و ... آن هم در عالیترین سطح اجتهاد و مرجع پروری در آن تشکیل می شد، خلاصه یک دوران مشعشع و درخشان و پر رونقی را می گذراند، و مرحوم آقا سید حسین در چنین حوزه ای و زیر نظر آیات و فقهای طراز اول و مراجع عظام درس خواند و ترقی کرد و به بلوغ اجتهاد رسید.

مرحوم شیخ آقا بزرگ در مورد اجتهاد و تحصیلات دروس خارج آقا سید حسین در حوزه نجف و کیفیت تحصیل و اسامی اساتیدس و اینکه در کدام حوزه و در نزد کدامیک از مراجع و فقهای نجف درس خوانده، مطلبی را ذکر نکرده است اما آقای محمدعلی سلطانی در کتابش در خصوص مطالب فوق چنین نوشته است:

باتفاق ابن عم خویش آقا سید عباس معصوم می لاری عازم حوزه مقدسه نجف اشرف گردید و هر دو به تحصیل مراحل عالیّه علوم از فقه و اصول پرداختند و از محضر آیات عظام میرزا حبیب الله رشتی، میرزای نائینی و مرحوم مامقانی موفق به کسب اجازه اجتهاد و تصدی و تدریس گردید.

اینکه تصریح کرده (از محضر آیات عظام میرزا حبیب الله رشتی ... و مرحوم مامقانی موفق به کسب اجازه اجتهاد ... گردید) قابل قبول نیست و نمی توان از ایشان پذیرفت، بسبب اینکه خود ایشان سال تولد مرحوم آقا سید حسین را حوالی (۱۵ - ۱۳۱۲) ثبت کرده است در حالیکه بنا به تصریح کارشناسان رجال و کتب سیره وفات مرحوم میرزا حبیب الله رشتی سال ۱۳۱۲ قمری بوده است یعنی همان سالی که مرحوم آقا سید حسین متولد شده بنابراین، یا اینکه در زمان فوت مرحوم میرزای رشتی اصلاً آقا سید حسین متولد نشده و یا سنش کمتر از یکسال بوده است. و همچنین

کتاب رجالی وفات مرحوم آیه الله محمد حسن مامقانی را سال ۱۳۲۳ قمری ثبت کرده‌اند یعنی فوت ایشان در زمانی بوده که آقا سید حسین ده ساله بوده است و اجازه اجتهاد در این سن برای آقا سید حسین قابل قبول نیست. البته اجازه اجتهاد از سوی آیه الله العظمی مرحوم میرزای نائینی قابل قبول است چون این مرحوم در سال ۱۳۵۵ قمری فوت کرده است.

ناگفته نماند که عبارت دیگری در نوشته آقای سلطانی بچشم می‌خورد که صحت آن قابل قبول است و دیگران هم به آن اشاره کرده‌اند:

آیت الله آقا سید حسین معصومی، علاوه بر اجتهاد و ترک تقلید از سوی آیات عظام، آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حکیم و بروجردی رحمة الله علیهم اجمعین تصدی در امور شرعی و حسیه داشتند.

گرچه در این عبارت آقای سلطانی اشاره‌ای به اجازه اجتهاد از سوی آیت الله آقا سید ابوالحسن نشده، اما چون در نجف در محضر درس این مرجع عالیقدر بوده است می‌توان حدس زد که ایشان علاوه بر اجازه تصدی در امور شرعی و حسیه، اجازه اجتهاد هم از ایشان کسب کرده است.

خلاصه مرحوم آقا سید حسین با توجه به آن شوق و ذوق و تلاش و جدیت و افری که در کسب علم و فقه و عروج به مدارج بلند علوم و معارف حوزوی از خود نشان داد، در محضر آیات عظام و مراجع بزرگ تقلید آن دوران همچون میرزا محمد حسین نائینی و شیخ عبدالله مازندرانی و سید ابوالحسن اصفهانی دروس خارج فقه و اصول را تکمیل کرد و به درجه رفیع و مقدس اجتهاد رسید. شکر الله مساعیه و مجاهدته العلمیه الفقهیة و براه الله بافضل الجزا.

وکالت و نمایندگی از ناحیه آیات عظام

مرحوم آقا سید حسین بعد از تحصیل و تکمیل مدارج علمی و فقهی خودش در دو حوزه کربلا و نجف و فارغ التحصیل شدن از آن دو مرکز فقهی و اجتهادی و کسب درجه اجتهاد، و جاهت و جایگاه معتبری بین فقها و مراجع تقلید آن دوران پیدا کرد و مورد توجه علمای نجف واقع شد. همین توجه و نگاه بزرگان علم و دین و جایگاه و موقعیت علمی و اجتهادی اش سبب شد که از ناحیه فقهای عظام، منصب نمایندگی و وکالت را بدست آورد. در نتیجه از ناحیه آیات و مراجع عظیم الشان همچون آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم حکیم و مرحوم بروجردی در منطقه کرمانشاهان وکیل و نماینده آن بزرگان بود. در این باره آقای محمدعلی سلطانی نوشته است:

آیت الله آقا سید حسین معصومی، علاوه بر اجتهاد و ترک تقلید از سوی آیات

عظام، آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حکیم و بروجردی رحمة الله عليهم
اجمعين تصدی در امور شرعیه و حسبیّه داشتند و وکیل تام الاختیار در امور مزبور
بودند.^۱

حجة الإسلام والمسلمين مرحوم آقا شیخ مجتبی عراقی هم به این وکالت و نمایندگی اشاره‌ای
کرده است:

ایشان (آقا سید حسین) مورد وثوق مرحوم آية الله العظمی آقاى اصفهانی بود و
از نمایندگان و وکلای آن مرحوم، به شمار می‌رفت.^۲

هجرت به کرمانشاه و توطن در آن

آقا سید حسین بعد از تحصیلات بی وقفه در دو حوزه نجف و کربلا، با توجه به تلاش و جدیتش در
امر تحصیل فقه و اصول و تفسیر و حدیث و معارف، به اضافه اخلاص و طهارت و توفیق پروردگار و
عنایات ائمه اطهار (ع) و خوشه چمن از خرمن گسترده علمی و فقهی علمای نجف، همه این برکات
سبب شد که از او مجتهدی توانا و مطلق غور و نویسنده‌ای خلاق و محقق فاضل حاصل گردد.
زمان بهره‌برداری و برداشت از دستاوردهای علمی و درسی و فقهی او فرا رسید. او می‌بایست برای
ورود به عرصه کار و فعالیت تبلیغی و تدریسی و ارشادی خود را آماده کند.

در پی این آمادگی معنوی و تشویق و سفارش علمای نجف و تأکید و ترغیب پسر عمویش آية
الله مرحوم سید عباس به سوی کرمانشاه رهسپار شد. ابتدا وارد کرمانشاه شد، بعد از چند ماه به
کنگاور رفت، بعد از اقامت چند سالی در کنگاور دوباره به کرمانشاه برگشت. در این بازگشت بود که
برای همیشه تا پایان عمر در کرمانشاه ماند و توفیقات زیادی در امر ترویج دین و نشر معارف و
تدریس و تربیت طلاب نصیبش شد.

در این مورد شیخ آقا بزرگ تهرانی اشاره شفاف و روشنی به این هجرت معنوی اش دارد:
ثم هاجر الى کرمانشاه فقام بها بالوظائف الشرعية وصار من العلماء المراجعين للاسور مع
تقوى وصلاح وحسن سيرة وكان جديراً بكل مكرمة نظراً لغزارة فضله وسلامته ضميراً.^۳
سپس به کرمانشاه هجرت کرد و در آن شهر اقامت گزید و به وظایف شرعی و ترویج

۱. تاریخ تشیع در کرمانشاه، ص ۶۳۱.

۲. مجله حوزه، شماره ۵۵، ص ۱۹۶.

۳. طبقات اعلام الشيعة، ج ۱۴، ص ۵۶۳.

مسائل دینی مشغول شد و در زمره علمایی قرار گرفت که محل مراجعات مردم بود. صلاح و تقوی را پیشه خود کرد، و نظر به علم و فضل و سلامت نفس و طهارت باطنی که داشت سزاوار هر نوع تکریم و تمجیدی است.

آقای محمدعلی سلطانی در این مورد بیانی جامعتر و مفصلتر از مرحوم شیخ آقا بزرگ دارد: به اتفاق آقا سید عباس سابق الذکر جهت تبلیغ و تدریس علوم دینیّه مأمور کرمانشاه شدند، و در کنگاور تا دوران متحد الشکلی تصدی امور اسناد و ازدواج و طلاق داشتند و سپس در آن هنگام استعفاء نمود، و روی به تدریس آورده در کرمانشاه مستقر شدند ... و نظر به اعتناء و اعتقاد اهالی به ایشان زهد و تقوا و تدریس در ارجاع وجوهات و انجام خیرات و صالحات و باقیات در کرمانشاه پیشقدم و مشار الیه بین الاقران بودند و در احداث و بنای مساجد متعدد و تعمیر و تکمیل تکایا و حسینیه‌ها و خرید منزل برای طلاب و انمه جماعات بجد بلیغ داشتند.^۱

ساماندهی و تشکیل حوزه علمیه کرمانشاه

آنچه که بیش از هر امتیاز دیگر، در حیات روحانی و نورانی آقا سید حسین به چشم می‌خورد، ساماندهی و تشکیل حوزه علمیه کرمانشاه است. حوزه‌ای که محور تمام برکات علمی و معنوی و تبلیغی و مرکز طلبه پروری و عالم سازی است.

وقتی وارد کرمانشاه شد، با توجه به دید نافذی که داشت، متوجه شد که شهر بزرگ کرمانشاه، در عین حالی که مرکز استان است، از داشتن حوزه علمیه محروم است، در راستای این تفکر سرنوشت ساز و فضیلت گستر بود که در صدد برآمد به هر نحوی شده یک تشکیلات علمی حوزه‌ای، ولو محدود و کوچک تأسیس شود. وی در این راه از آبرو و توان علمی و معنوی و جسمی و موقعیت اجتماعی خود مایه گذاشت، تواضع به خرج داد و تکبر و خود بزرگ بینی و انزوا و تبلی را کنار نهاد، در نتیجه علما و بزرگان روحانی کرمانشاه را جمع کرد و ضرورت و نیاز مبرم به یک حوزه علمیه فعال و طلبه پرور را مطرح ساخت، علما و روحانیت معظم کرمانشاه هم انصافاً حمایت و همکاری و همیاری کردند. در مورد تلاش و جدیت آقا سید حسین نسبت به تشکیل حوزه علمیه، جناب حجة

۱. تاریخ تشیع در کرمانشاه، ص ۶۳۱.

الاسلام والمسلمين آقا سید جعفر معصومی فرزند روحانی آن مرحوم از لسان آقايش چنین می گوید:

آقایان بیایید با همکاری همدیگر حوزه ای تشکیل بدهیم که بسیار مورد نیاز و ضروری است. بنده خود برای پایین ترین مقطع درسی اش حاضر به تدریسم. آخرین درس و پایین تر درسی که شما حاضر به تدریس آن نیستید وزیر بارش نمی روید و خلاف شئون خود می دانید، بعهدہ من بگذارید، من امثله و جامع المقدمات درس می دهم. پایین ترین و ابتدائی ترین کتاب درسی حوزه. عاقبت تلاشهای پیگیر و جدیت و اصرارهای پی در پی آقا سید حسین تأثیر گذاشت، و کم کم اولین خشت های این زیر بنای حوزه علمیه کرمانشاه طرح ریزی شد.

مسجد حاج شهبازخان، از این حوزه علمیه کرمانشاه

طرح پیشنهادی آقا سید حسین در مورد تأسیس حوزه علمیه در کرمانشاه مورد استقبال علما و فضلاء آن دوره قرار گرفت. بدیهی است که چنین طرح مقدس و ارزنده و زیر بنایی به تنهایی و یک تنه عملی و قابل اجرا نیست، او نیاز به مساعدت و همکاری و حمایت علما و معتمدین و تجار داشت.

آیه الله آقای آقا شیخ هادی جلیلی از علمای بزرگ کرمانشاه در آن زمان، با توجه به نفوذ و محبوبیتی که در منطقه کرمانشاهان داشت بنا به پیشنهاد مرجع عظیم الشأن جهان شیعه حضرت آیت الله العظمی آقای سید ابوالحسن اصفهانی، در صدد برآمد که حوزه علمیه ای تشکیل دهد، در این مورد از زبان فرزند روحانی اش آیت الله آقای آقا شیخ جلیل جلیلی بشنویم:

مرحوم آقایم آیت الله حاج شیخ هادی در کرمانشاه حوزه علمیه ای تشکیل داد و جریان شکل گیری آن هم به این صورت بود که مرحوم آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی به مرحوم پدرم نوشت که با بودن رئیسی مطاع مثل شما خیف است که حوزه علمیه ای در کرمانشاه نباشد.

در پی این پیشنهاد بود که آقایم دست به کار شد و حوزه ای را تشکیل داد. یکی از شخصیهایی که در تشکیل و ساماندهی و تداوم حوزه علمیه کرمانشاه نقش بسزا و زیر بنایی داشت و در کنار مرحوم پدرم بود، مرحوم آقا سید حسین معصومی بود.

اخلاص وارد صحنه شد، و با همت بلند و شوق وافری که داشت با تجار و متمولین و سرشناسان کرمانشاه تماس گرفت، و آنان را به حسینیه کرمانشاه دعوت کرد، در وهله اول اهمیت و ارزش وجود حوزه علمیه‌ای در کرمانشاه را برایشان مطرح و سپس از آنها درخواست کمک و مساعدت نمود. در نتیجه با نفوذی که مرحوم پدرم در کرمانشاه داشت و تلاش و جدیت آقا سید حسین مدرسه علمیه دایر شد.

جوانهای متدین و کوشا جهت تحصیل در مدرسه ثبت نام کردند و مرحوم آقا سید حسین و مرحوم آقا سید محمود معصومی از مدرسین اولیه آن مدرسه بودند. حوزه علمیه ابتدا در مسجد حاج شهبازخان بود، بعد که مرحوم آیه الله العظمی آقای بروجردی مرجع عظیم الشأن مدرسه مستقل و جداگانه‌ای ساخت، مرحوم پدرم را سرپرست و رئیس حوزه علمیه آن مدرسه قرار داد، در نهایت تمام تشکیلات مدرسه حاج شهبازخان به مدرسه جدید التأسيس مرحوم بروجردی منتقل شد و مرحوم آقا سید حسین تا آخر عمرش در حال تبلیغ و تدریس بود و زحمات زیادی کشید.

مرحوم آیه الله آقا سید مرتضی انجومی در شرح حال خودنوشت خودش درباره تأسیس حوزه علمیه کرمانشاه و همچنین در خصوص نقش آقا سید حسین در تشکیل حوزه و پیشقدم بودن ایشان در امر تدریس در مدرسه حاج شهبازخان مطالب ارزنده‌ای دارد:

تأسیس حوزه علمیه در کرمانشاه به امر آیه الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی؛ از حسن توفیق و لطف حضرت احدیت، دو ماه بعد از شروع طلبگی بنده، آقایان علمای کرمانشاه به امر آیه الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی بنای برپایی حوزه علمیه را در کرمانشاه و مسجد حاج شهبازخان گذاردند. اولین جلسه اجتماع آقایان علمای شهر، در منزل ما واقع گردید که بنا شد هر کدام دروسی را متکلف شوند و تدوین کنند، اولین نفر آقای حاج سید حسین معصومی لاری بود که پذیرفت تا به طلبه‌ها درس امثله دهد. بدین گونه مدرسه و حوزه علمیه مسجد حاج شهبازخان تشکیل گردید و طلاب به گرمی مشغول درس و بحث شدند.

حجة الاسلام والمسلمین آقا حاج سید حسین معصومی لاری با وجود کهولت سن و علاقه شدید به تربیت طلاب و اهل علم، برای آینده استان و شهر، بدون

هیچ گونه ناراحتی و احساس ننگی که جامع المقدمات گفتن در شأن ایشان نبود، برای مثنی بچه‌های ریز و درشت درس می‌گفت. هر چه بچه‌ها زیادت‌ر می‌شدند، ایشان هم خوشحال‌تر می‌شد و گاهی به آهستگی می‌گفت: همه این‌ها به پایان خط نمی‌رسند و تا پایان ادامه نمی‌دهند. عده‌ای به عنوان علمای محترم و درس خوانده برای شهر ما فراهم آید، بزرگترین نعمت است.^۱

وبدین سان تلاش مقدس و طرح ارزشمند و گوهرین آقا سید حسین به بار نشست و حوزه علمیه کرمانشاه شکل گرفت، حوزه‌ای که از آن برکات پر ارزش علمی و معنوی و تبلیغی آن، صدها طلبه و مبلغ و روحانی و محقق و مدرس و استاد و ... تربیت شدند و به جامعه اسلامی خدمت کردند.

شاگردان و دست پروردگان

یکی از مهمترین و اساسی‌ترین رسالت حوزه‌های علمیه شیعه تهذیب و تعلیم و تکمیل نفوس و پرورش شاگردان قابل و استعداد است، پرورش صاحبان لب و فکر و جهت دادن آن ملکوتیان در مسیر خودسازی و رشد و بالندگی و صعود به قله‌های علم و فضل و مال و اکتساب مکارم و فضائل و در پایان معرفت رب و تقرب الی الله است.

عاقبت تلاشهای عالمانه و تدبیرهای دلسوزانه و کریمانه آقا سید حسین به بار نشست و طلاب مدرسه حاج شهبازخان و شاگردان و دست پروردگان محضر درس آن مرحوم بعد از طی کردن مراحل مقطع سطح، هر کدام برای تحصیل مدارج عالیه فقه و اصول و حکمت و تفسیر و حدیث و کسب مقام منیع اجتهاد وارد حوزه‌های نجف و قم و مشهد شدند.

عده‌ای از این عزیزان که با جدیت کامل و همت بلند مدارج علمی دروس حوزوی را طی کردند، در رشته‌های متعدد علوم اسلامی و معارف اهل بیت (ع) تبحر و تخصص خوبی پیدا کردند، از این عده تعدادی در فقه و اصول به درجه اجتهاد رسیدند همچون آیه الله مرحوم آقا سید مرتضی نجومی و گروهی مدرس و استاد حوزه شدند و ... اگر بخواهیم تمام فارغ التحصیلان و علمای و فضلا و محصلین مدرسه حاج شهبازخان را برشماریم اولاً استقصاء و یافتن آنها خیلی مشکل است و ثانیاً مطلب به درازا کشیده می‌شود و نیازی هم نیست، بنابراین ما عده‌ای از خواص و نمونه‌های آن فضلا را بر می‌شماریم. از میان شاگردان و دست پروردگان آقا سید حسین دو فاضل محترم هستند که خودشان اقرار و اعتراف کرده‌اند که از شاگردان ایشان بوده‌اند. یکی از آنها آیه الله مرحوم آقا سید

۱. کیمیای هستی - آیت الله سید مرتضی نجومی: ص ۵۰.

مرتضیٰ نجومی است که در چند جا مرحوم آقا سید حسین را استاد ادبیات خود معرفی کرده و از ایشان به عظمت و جلالت تکریم و تمجید کرده است.

از مسجد مرحوم حاج شهبازخان باختران^۱ هم ما با عده‌ای از برادران طلبه و اهل علم جامع المقدمات را نزد مرحوم حجة الاسلام والمسلمین سید بزرگوار آقای حاج سید حسین معصومی لاری می‌خواندیم و آن مرحوم با وجود کهولت سن و علاقه شدید به تربیت طلاب و اهل علم برای آینده استان و شهر بدون هیچ گونه ناراحتی و بدون هیچ احساس ننگی از اینکه این تدریس در شأن ایشان نبود برای مثنی بچه‌های ریز و درشت درس می‌فرمودند و هر چه بچه زیادت‌ر می‌شد خوشحال‌تر بودند و می‌گفتند همه اینها به پایان خط نمی‌رسند و آنگاه که این بچه‌ها را به سیوطی رساندند آقایان دیگر راضی به تدریس گردیدند. خداوند رحمتش کند که ذکر جمیل او همیشه در زبان ما است.^۲

یکی دیگر از فضلاء و محصلین مدرسه حاج شهبازخان که از محضر درس آقا سید حسین استفاده برده و در ادبیات را خدمت ایشان تکمیل کرده است، مرحوم آیه الله حاج آقا مجتبی حاج آخوند، از شاگردان مبارک و انقلابی امام خمینی^۳ و از رهبران انقلاب در کرمانشاه است. در زندگی نامه شخصی ایشان که در سایت مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت^۴ موجود است، یکی از اساتید ایشان آقا سید حسین معرفی شده است.

۵ - سید حسین معصومی لاری: او از عالمان و فقیهان کرمانشاه است که در تواضع و فروتنی ضرب المثل بوده است، چه این که با کبریت سن و مقام و منزلت علمی اش به تربیت طلاب و تدریس دروس مقدماتی مثل جامع المقدمات با تواضع و اشتیاق کامل می‌پرداخته است و کار خود را تقویت بنیه علمی طلاب سطح مقدمات در علوم اسلامی می‌دانست.

عده‌ای دیگر از علما و فضایی که از شاگردان و دست پروردگان آقا سید حسین بوده‌اند عبارتند از آیات و حجج اسلام آقایان: ۱ - حاج شیخ محمدرضا کاظمی هرسینی ۲ - آقا شیخ غلامرضا ندافی ۳ - حاج شیخ علی کاظمی هرسینی ۴ - حاج شیخ علیرضا متانت ۵ - آقا شیخ نورالله گروینی ۶ - آقا سید علی آقا گروینی.

۱. باختران همان کرمانشاه است که در سال‌های دهه ۶۰ به این نام خوانده می‌شد.

۲. کیهان فرهنگی، سال دوم، شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۶۴.